

[کلام مرحوم آخوند در حقیقت شرعیه 1](#_Toc30830308)

[اشکال مرحوم خویی به مرحوم آخوند 1](#_Toc30830309)

[مناقشه استاد در اشکال مرحوم خویی 2](#_Toc30830310)

[ثمره بحث حقیقت شرعیه 3](#_Toc30830311)

**موضوع**: کلام مرحوم آخوند /حقیقت شرعیه /مقدمه علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در حقیقت شرعیه و تقریب کلام مرحوم آخوند بود.

# کلام مرحوم آخوند در حقیقت شرعیه[[1]](#footnote-1)

مرحوم آخوند فرمودند: اگر الفاظ عبادات، از مخترعات شرعیه باشد، آن گاه بحث از حقیقت شرعیه و وضع شرعی برای این معانی و حقیقی بودن استعمال یا مجازی بودن استعمال مطرح خواهد بود؛ اما اگر احتمال برود که معانی شرعیه این عبادات، در قبل از شریعت اسلام نیز وجود داشته و در زمان جاهلی از این الفاظ برای این معانی استفاده می شده است\_ همان گونه که از برخی آیات قرآن نیز چنین استفاده ای می شود\_ آنگاه حقیقت شرعیه قابل اثبات نیست؛ زیرا به سبب اصل عدم نقل، حکم به این می شود که معنای این لغت ثابت بوده و در طول زمان تغییر نکرده است و لذا اثبات حقیقت شرعیه و وضع شرعی، ممکن نخواهد بود.

## اشکال مرحوم خویی به مرحوم آخوند

مرحوم خویی اشکال نموده است که احتمال این که وضع الفاظ برای این معانی سابق و متقدم بر شریعت اسلام باشد؛ موجب می شود که حقیقت شرعیه به وجه آکد اثبات شود؛ زیرا ثمره حقیقت شرعیه این بود که الفاظ مستعمل در لسان شارع، حمل بر معانی شرعی شود؛ پس اگر در لغت نیز این معنا ثابت باشد به نحو آکد، الفاظ مستعمل در شرع، حمل بر این معانی می شود؛ چرا که مهم در این مساله این است که این معانی، حقیقت برای الفاظ باشند و تفاوتی ندارد که حقیقت شرعیه باشند یا حقیقت لغویه باشند.

## مناقشه استاد در اشکال مرحوم خویی

همان گونه که برخی بزرگان نیز فرموده ند: این اشکال وارد نیست؛ زیرا اگر شارع وضع مستقلی کرده باشد \_چه وضع به تصریح و چه وضع به استعمال؛ هر چند که وضع به تصریح امکان عادی ندارد\_ از آنجا که شارع جعل اصطلاح نموده است؛ هر گاه لفظی بدون قرینه استعمال شود، حمل بر معانی شرعیه مستحدثه خواهد شد؛ اما اگر در لغت سابقه معنای شرعی وجود داشته باشد، استعمالات شارع حمل بر این معانی نمی شود؛ مثلا صلاه اگر به معنای دعا و نماز باشد؛ مشترک لفظی خواهد بود و در نتیجه الفاظ حمل بر معانی شرعیه نخواهد شد و مجمل می شود؛ در حالی که اثر مطلوب از حقیقت شرعیه، حمل الفاظ بر معانی شرعیه بود.

بنابر این کلام مرحوم خوئی در حقیقی بودن استعمال، مبنی بر تفاوت نگذاشتن بین زمان شارع و قبل از آن صحیح نیست؛ زیرا در صورت وضع شرعی، معنای قبلی مهجور می شود ولی اگر وضع لغوی قبل از شریعت اسلام، بر این معنا وجود داشته باشد، معنای قبلی غالبا مهجور نیست؛ زیرا اگر شارع متصدی وضع نباشد، وجهی برای هجر معنای سابق نیست اما اگر شارع متصدی وضع شود، در استعمالات بدون قرینه شارع، الفاظ حمل بر همان معنای مستحدثه خواهند شد.

به صورت خلاصه:

اگر قائل به حقیقت شرعیه تعیینیه شویم، الفاظ حمل بر معانی مستحدثه خواهند شد و اگر قائل به حقیقت لغویه شویم، کلام مجمل خواهد بود و اگر قائل عدم وضع و مجاز بودن استعمالات شرعی شویم، الفاظ بدون قرینه، حمل بر معانی لغوی خواهد شد.

اما اگر احتمال وضع لغوی سابق بر شریعت وجود نداشته باشد، تنها محتمل، وضع تعیینی به استعمال است؛ زیرا معانی جدید حقیقی و بالوضع است به دو دلیل 1- تبادر معنای جدید از الفاظ شرعی در استعمالات شرعی با توجه به تکرار استعمالات در این الفاظ و وجود ارتکاز به این معنا 2- مجاز بودن استعمالات شرعی غالبا ممکن نیست مثلا به کار بردن واژه «صلاة» به صورت مجاز جزء و کل، در مورد نماز که مقدار کمی از آن دعا است، علاقه مصحّحه ندارد و لذا این استعمال صحیح نیست، پس معنای نماز برای کلمه «صلاة» حقیقی است؛ اما از آن جا که تصریح به وضع نشده است، باید وضع به استعمال باشد، مگر این که این معانی، حقیقت لغویه داشته باشد یا حداقل حقیقت لغوی محتمل باشد.

بنابر این حمل الفاظ بر معانی شرعیه، مبتنی بر این است که معانی الفاظ، توسط شارع و مصطلح جدید شارع باشد و حقیقت لغویه نباشد و احتمال آن نیز وجود نداشته باشد. همین گونه وضع تعیُّنی، نیز منوط بر این است که احتمال وضع سابق وجود نداشته باشد.

در وضع تعینی نیز اگر معنای سابق مهجور باشد استعمالات شرعی حمل بر معانی شرعی می شود اما اثبات آن ممکن نیست؛ زیرا احتمال وضع لغوی قبل از شریعت اسلام وجود دارد و در صورتی که معنای سابق مهجور نباشد، کلام مجمل خواهد بود.

### ثمره بحث حقیقت شرعیه

ثمره اثبات حقیقت شرعیه این است که اگر لفظی در کلامات شارع استعمال شود، حمل بر معانی شرعیه خواهد شد؛ مشروط بر این که حقیقت شرعیه اثبات شود.

مرحوم آخوند فرموده است: این که گفته شود این الفاظ در لسان شارع یا تابعین شارع، در زمان شارع حقیقت در این معانی شده است صحیح است اما برای ترتب ثمره لازم است که این وضع، به صورت تعیینی به استعمال، توسط شارع انجام شده باشد. اما اگر در زمان شارع، وضع توسط استعمالات شارع در لسان شارع و لسان تابعین شارع (صحابه) شکل گرفته باشد، نمی توان الفاظ را حمل بر معانی شرعیه نمود؛ زیرا هر لفظی، محتمل است که صدورش قبل از حقیقت شدن باشد؛ چرا که استعمالات تابعین نیز در حقیقی شدن تاثیر داشته است و لذا استعمالات بعد از حقیقی شدن، حمل بر معانی شرعیه می شود اما این که صدور روایتی در چه زمانی باشد، معلوم نیست ولذا ممکن است استعمال، قبل از حقیقی شدن معنای جدید برای لفظ، صورت گرفته باشد؛ مثلا اگر در سال دهم هجری، وضع صورت گرفته باشد، احتمال دارد که استعمال در سال اول هجری باشد و استعمال در معنای سابق باشد؛ پس لفظ مجمل خواهد شد؛ از طرفی محقق عراقی اصل تأخر نقل از زمان استعمال را مطرح کردند در فرض علم به اصل نقل که مرحوم آخوند نپذیرفتند.

احتمال دارد مراد مرحوم آخوند این باشد که هر چند وضع در زمان ائمه محتمل بلکه قریب است ؛ چرا که وضع در طول زمان ائمه با استعملات مکرری که وجود داشته مظنون است، اما این که وضع بالخصوص در زمان پیغمبر باشد، قابل اثبات نیست.

بله اگر شارع با اولین استعمال، وضع به استعمال نموده باشد، تمامی استعمالات شارع بر معنای جدید حمل می شود؛ اما اثبات آن مشکل است.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص21.](http://lib.eshia.ir/27004/1/21/کونها) [↑](#footnote-ref-1)